

## لوکوربوزیه و انگاره‌ی ماشین؛ تبلور شی‌صنعتی واجد الگوهای زیبایی‌شناسی نوشته‌ی علیرضا صبوری<sup>1</sup>

تکنولوژی همیشه برای معماران جذاب بوده است. اصولاً معماری رابطه‌ای مستقیم با تکنولوژی و ماشین به عنوان بارزترین نماد تکنولوژی دارد. لوکوربوزیه نیز از این قاعده مستثنی نبود: کاخ پارلمان در شاندیگار با حجمی شبیه به نیروگاه یا طرح پیشنهادی وی برای کاخ شوراها، اتحاد جماهیر شوروی با سقفی که با عناصر سازه‌های نمایان مهار شده بود و گرایش به بروز زیبایی فنی - مهندسی ساختار سازه‌های در آن به نمایش درآمده و حتی صحبت از خانه به عنوان ماشینی برای زندگی کردن همه وجوهی از این علاقه را نمایان می‌سازند. در این نوشتار سعی بر آن است به شکل کوتاه و به فرآخور جایگاه به بررسی حدود تاثیر این عوامل در معماری این معمار پرداخته شود.

لوکوربوزیه به عنوان معمار - هنرمند محصول دوره مدرن بود و بی‌شک معماری مدرن و امدار و متأثر از لوکوربوزیه است. به روایتی، لوکوربوزیه مشهورترین معمار سده بیستم است؛ قرنیه که به شکل مشخص نیمه اول آن - همزمان با فعالیت لوکوربوزیه - دوره سبتره تفکر مدرن بر جهان انسانی بود. تفکری که ریشه در اندیشه‌های دکارت داشت. در این نگاه کل جهان هستی و از جمله «بخش مادی انسان»<sup>2</sup> نیز ماشین گونه انگاشته می‌شد. بر اساس این نگرش دلیل وجودی جهان مدرن بر دوش انسان گذاشته شده بود. انسان مدولار لوکوربوزیه در واقع به نوعی پاسخی به همین دیدگاه مدرن بود. دیدگاهی که در آن سعی بر استاندارد سازی است. البته تمام این گزاره‌ها منکر این واقعیت نمی‌شوند که لوکوربوزیه همیشه، به خصوص در آثارش، به مباحث کیفی و انسانی فضای زیست نظر داشت<sup>3</sup>.

در جامعه مدرن هدف، رسیدن همه انسانهای جامعه به رستگاری در جامعه‌ای مرفه، با فاصله طبقاتی کم یا بدون فاصله طبقه است. پی‌گیری این دیدگاه در آثار متقدم لوکوربوزیه مشهود است؛ انسان و جامعه‌ای بدون طبقه، بحث تولید صنعتی خانه برای جامعه که لوکوربوزیه در کتاب به سوی یک معماری جدید بیان میکند شاید به نوعی ریشه در این اندیشه داشته باشد، وی در این کتاب و بر اساس همین رویکرد یکی از مهمترین گزین‌هایش را مطرح می‌کند: "خانه ماشینی است برای زندگی کردن در آن"<sup>4</sup>، این ره یافت در طراحی در آثار لوکوربوزیه صرفاً ریخت‌شناسانه نیست؛ زیبایی‌شناسی تولید انبوه کارخانه‌ای و زیبایی‌مهندسی در شکل‌های صنعتی مانند کشتی بخار تنها در لایه‌های روبین حجم‌ها لحاظ نمی‌شود، بلکه وی به صراحت سخن از روح تولید انبوه به میان می‌آورد: "صنعت باید در مقیاس وسیع به ساختمان توجه کند و عناصر خانه را بر پایه تولید انبوه استوار سازد، ما باید روح تولید انبوه را خلق کنیم، روح زندگی در خانه‌های تولید انبوه، روح درک خانه‌های تولید انبوه"<sup>5</sup>. در واقع وی تولید صنعتی خانه را راهکار مسئله کمبود مسکن می‌دانست. راهی برای برون رفت از مشکلی که اروپا در آن دوره بدان دچار بود.

طی سالهایی که از چاپ کتاب به سوی یک معماری جدید می‌گذشت تا انتشار منشور آتن و حتی پس از آن، لوکوربوزیه در برخی آثار خویش هنوز استفاده از زیبایی فنی و ماشینی را مد نظر قرار می‌داد. به عنوان نمونه هم در مجموعه شاندیگار و هم در کاخ پارلمان و حتی در دیگر آثار وی میتوان همان زیبایی‌شناسی فنی و ماشینی را مشاهده نمود. اما در منشور آتن که به سال 1933 منتشر شد این نگاه نخست قدری ملایم تر شده: "استفاده از ماشین شرایط کار را دگرگون کرده است. استفاده از ماشین تعادل هزارساله را در هم شکسته و ضربه محکمی بر صنایع ظرفه وارد ساخته، مزارع را از کشاورزان خالی کرده، شهرها را به شلوغی همراه با رکود کشانده و خودیاری‌های چند هزارساله را خرد کرده است. استفاده از ماشین به روابط طبیعی که بین خانه و محل کار برقرار بودند لطمه زده است..."<sup>6</sup>. در حقیقت در این دوره نگاه لوکوربوزیه بیشتر معطوف به فضای "سبز"، "اوقات فراغت"، نگاهداری از عناصر طبیعی مانند "رودخانه‌ها، جنگل‌ها، تپه‌ها، کوه‌ها، دره‌ها، دریاچه‌ها و دریا"<sup>7</sup> هاست. در این منشور بر خلاف روحیه ضدتاریخ گرای متبلور در آثار دوره اولیه لوکوربوزیه حتی صحبت از حفظ آثار تاریخی معماری نیز به میان می‌آید "چه آنگاه که صحبت از بناهای منفرد به میان است و چه آن‌گاه که هسته‌های کامل شهری مورد نظر است"<sup>8</sup>. چنان‌که واضح است در این بازه زمانی توجه به کیفیت فضای زیست بیشتر از قبل مد نظر قرار دارد.

تأثیری که لوکوربوزیه بر معماری زمان خود و حتی پس از خود باقی گذاشت بسیار عمیق تر از ره یافت‌های ماشین وار در طراحی است و آثار این معمار ریشه‌هایی از بروتالیسم، استراکچرالیسم و تندیسگرایی را نیز در خود دارند اما گرایش لوکوربوزیه به ماشین به مثابه یک کانسپت در معماری تقریباً در ادوار مختلف معماری وی کم و بیش و با شدت و ضعف قابل ملاحظه است. این گرایش را به شکل کلی می‌توان منتج از دو دلیل عمده دانست؛ نخست گرایش لوکوربوزیه به تندیس‌گرایی و سازه‌گرایی که از کاخ شوراها و کاخ پارلمان به غایت خود می‌رسند و دوم وابستگی فکری به اندیشه مدرن و زندگی در دنیای مدرن که در گره خوردگی عمیق با این رویکرد مدرنیستی که شی‌به واسطه کارکردش وجود دارد باعث به وجود آمدن اندیشه "خانه ماشینی برای زیستن" گشت.

<sup>1</sup> - معمار، مدرس دانشگاه

<sup>2</sup> : پاکزاد، ج. 1389. سیر اندیشه‌ها در شهرسازی 1. تهران، نشر آرمانشهر. ص 370.

<sup>3</sup> : نوربرگ شولتز، ک. 1381. معماری: حضور، زبان، مکان. ترجمه علیرضا سید احمدیان. تهران. موسسه معمار نشر. ص 339.

<sup>4</sup> : لوکوربوزیه. 1382. به سوی یک معماری جدید، از مجموعه متن‌هایی برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران. نشر چشمه. ص 204.

<sup>5</sup> : همان. ص 206.

<sup>6</sup> : لوکوربوزیه، 1382. منشور آتن. ترجمه محمدمنصور فلامکی. تهران. نشر فضا. ص-ص 82-83.

<sup>7</sup> : همان ص-ص 118-119.

<sup>8</sup> : همان. ص 149.